

حامی عامه است و آن را گسترش می دهد، مطبوعات است. آن ها هشدار می دهند که مطبوعات، اروپا را به بن بست می کشاند که سال ها در آن خواهد ماند؛ اما بقیه نژاد بشری چیزی را ابداع می کنند که سرانجام بر آن مطبوعات مسلط خواهند شد.

اشارات متفکران در توجه دادن به مسأله بغرنجی چون ساحت عمومی و عوام، در دوران ما نمود بیش تری یافته است. اینترنت سردمدار نخستین مفهوم عامه و ساحت عمومی در روزگار معاصر ماست؛ و این یعنی روش استفاده ما از فن آوری هایی چون اینترنت باعث بروز تغییراتی در ما می شود، به گونه ای که حتی از چگونگی وقوع این تغییر نیز آگاه نیستیم. بنابراین، باید بفهمیم که اینترنت برای ما چه می کند و در طی روندش چه خواهد کرد.

کار اینترنت در مورد معنا، آن است که زندگی مان را بدتر می کند. زندگی روی وب جذابیت دارد؛ چون آسیب پذیری و تعهد را حذف می کند. اما این نبود شور و شوق، معنا را از میان خواهد برد.

باید دانست که ابزار، خنثا نیستند و اینترنت، تعهد شخص را در دنیای اجتماعی و جسمانی کم می کند. این کاهش تعهد، به نوبه خود، درک از واقعیت و معنا را در زندگی شخص کاهش می دهد. در واقع، گویا هرچه بیش تر از اینترنت استفاده کنیم، بیش تر به دنیای غیر واقعی، تنها و بی معنای کسانی کشانده می شویم که می خواهند از دردسرهای جسم بگریزند.

#### منبع

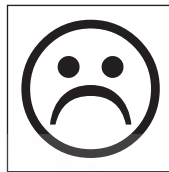
باگدیکیان، بی. اچ.، انحصار نوین رسانه ای، ترجمه علیرضا عبادتی، تهران، روایت فتح ۱۳۸۶  
دریفوس، هیوبرت، درباره اینترنت، ترجمه علی فارسی نژاد، تهران، ساقی، ۱۳۸۳  
S. Kerekegaard, Journals and Papers, ۴۳. No. ۲, Indiana University Press, Vol J. Habermas, The Structural Transformation of The Public Sphere, MIT Press ۱۹۸۹.



مجله مطالعات فرهنگی

## جادوی چشم شیشه ای شده ایم

مجلات را ورق می زنی؛  
تیتراهای درشت و رنگی همه از یک چیز سخن می گویند:  
- زندگی نامه کامل یانگوم  
- یانگوم ازدواج نکرده  
- یانگوم به تهران می آید  
- یانگوم چند بار تا مرز ازدواج پیش رفته



- یانگوم محبوب دل ایرانیان  
مُخت سوت می کشد از این همه تکرار نام «یانگوم»  
کیوسک ها پر شده اند از عکس ها و پوسته های رنگی اش  
و سایت ها پر از تیتراهای فریبنده اند  
«فروش CD سانسور نشده جواهری در قصر»؛  
و پر از عکس هایی که نمی دانی چرا این قدر زیاد شده اند...  
او را نماد مقاومت و فداکاری و صبر می نامند!

زنی که با تمام موانع پیش رویش می جنگد و به پیروزی می رسد  
یاد «اوشین» می آفتی و سال های دوری اش از خانه!  
چه قدر پراهمیتند این عناوین برای مردمان...  
افسوس که هنوز مردم، اوشین را به خاطر دارند  
و رنج هایی را که ساخته ذهن کارگردان بود...  
اما غافلند از رنج کشان حقیقی...



زنانی که سال هاست در همسایگی شانند  
تنهای تنها...  
مادرانی که صبر و استقامت را از پا درآوردند  
و فداکاری را شرمنده کردند  
زنانی که سال هاست با سرفه ها و آثار شیمیایی همسرانشان مأنوسند  
نوعروسانی که فردای شب زفاف، بیوه شدند  
اما هنوز پای لبیکشان ایستاده اند...

مادرانی که رنج پدر بودن را با عطوفت مادری به هم آمیختند  
تا کودکانشان سایه خیالی پدر را حس کنند  
چه زخم زبان ها که حتی خمی به ابرویشان ننشانند...  
عجبا که جادوی چشم شیشه ای شده ایم  
و غافل از گنجینه های ایرانی  
کجاست گلویی که فریاد کند  
این همه مظلومیت را...

